

آقا بالاخان معین نظام که این اواخر به سردار افخمی ملقب شده ، چون حال را بدین منوال دید ، حکم داد سرباز شلیک نماید ، سرباز اطاعت او را ننمود که در این اثناء یک دسته از فوج مخصوص اورسید ، به آنها حکم شلیک داد. آنها هم بدون ملاحظه اطاعت او را نموده ، به طرف هوا شلیک نمودند . چند نفر از آنها تفنگها را به طرف مردم گرفته شلیک نمودند ، گروهی از مردم بی طرف و بیچاره به خاک هلاک افتاده ، هدف تیر اغراض آنها شدند ، باقی مردم فرار نمودند . دولتیها درهای ارك را بستند و نعلها را در ارك پنهان کردند . جز چند نفر که در حال فرار در خارج ارك افتادند ، آنها را ملت برداشته آمدند در ب خانه مرحوم میرزای آشتیانی ، هیجان مردم زیادتر شد و جمعیت بیشتر . زندهای اندرون ناصرالدین شاه هم بنای گریه و زاری را گذارده ، دیگر از ترس جان خود گریه می کردند ، یا شور ملی آنها را به گریه انداخته بود . شنیدم یکی از کنیزهای اندرون بی حد گریه می کرده است ، ناصرالدین شاه به او برمی خورد می گوید این حکم از حجة الاسلام میرزای شیرازی نیست ، و الامن اطاعت آن را می کردم . آن کنیز عرض کرده بود این صدای تفنگ که به طرف سادات و علماء خالی شده است ، آیا می شنوید ؟ شاه گفت این تیرها را به هوا خالی می کنند ، که در این بین نایب السلطنه رسید و واقعه را عرض کرد . ناصرالدین شاه جناب عضدالملک و مرحوم میرزاعیسی وزیر طهران را خدمت مرحوم میرزا فرستاد ، که از حرکت و مسافرت منصرف شوید ، مجلسی در دربار منعقد کنید ، عقلاء ملت با وزراء دولت در اصلاح این امر مشاورت نمایند . مردم متفرق شدند . روز دیگر بازارها باز شد و مجلس دربار منعقد گردید . پس از مذاکرات بسیار در چند مجلس و بد گفتن آقاسیدعلی اکبر تفرشی به قوام الدوله بلکه به طور کنایه به شاه ، نتیجه این شد که امتیاز مرتفع باشد ، و شش کرور خسارت کمپانی را دولت قبول کرد و این اول قرضی بود که دولت ایران به خارجه مدیون شد ، اگر چه این خسارت به ایران وارد آمد ، لکن در عوض ملت ایران به خود آمده ، و اندکی رو به بیداری کرده ، چه از این ارتفاع امتیاز رژی ملت ایران دانست که می شود ، در مقابل سلطنت ایستاد و حقوق خود را مطالبه کرد . و دیگر معلوم شد که با این اختلاف مذهبی بین ملت ایران ممکن است همگی در امری متفق شوند چنان که از انتشار حکم مزبور در همه بلدان ایران عموم مردم به هر مذهبی که بودند متفق شده ، قلیان و چپوق و سیکار را ترك کردند . مردم به دست خود قلیانها را شکسته و بسیاری از تنباکوها را آتش زدند . شنیدم در کرمان از مرحوم حاج محمدخان رئیس شیخیه تکلیف را استعمال کرده بودند . در جواب گفته بود : ما با مشرعه در فروع اختلاف داریم ، در امور سیاسی البته اطاعت حکم را بنمائید و اول خودش قلیان را ترك نمود . و نیز در طهران در بیض سفارتخانهها اجزاء مسلمان از خدمات دخانی امتناع کرده و معذور هم شدند . حتی آن که از قرار

مذکور کلفت‌ها و خدمه اندرون ناصرالدین‌شاه دست به قلیان و سایر دخانیات نمی‌رسانیدند. از علماء طهران آقا سیدعبدالله بهبهانی تبعیت میرزای آشتیانی را ننمود، که اولاً من مقلد نیستم و مجتهدم و ثانیاً این صورت حکم که نسبت به جناب میرزای شیرازی می‌دهند حکم است یا فتوی، اگر حکم است، که باید بین مدعی و مدعی‌علیه و در مقام ترافع باشد و اگر فتوی است که باید کلیت داشته‌باشد، و فتوا نسبت به مقلدین لازم‌العمل است، نه نسبت به مجتهد باری جنابش با حضرات همراهی نفرمود. مرحوم حاج شیخ‌هادی نجم‌آبادی هم در مجالس مذاکره حاضر نشد، لکن پیغام داد من استعمال دخانیات را مطلقاً حرام می‌دانم، مخصوص به وقتی دون وقتی نیست و اگر بنای آقایان بر حرکت از طهران و مهاجرت به عتبات شد، اول کسی که ردا بر دوش کند و با پای پیاده مهاجرت نماید من می‌باشم. بنده نگارنده در مجلس مرحوم حاج شیخ‌هادی بودم، که این مذاکره را فرمود. از پاره‌ای مکاتیب و تلگرافاتی که در امر تنباکو بین اولیای امور مکاتبه و مخایره شده است و ما به دست آوردیم، بسیاری از نکات و دقایق استنباط می‌شود و ما بدون ملاحظه ترتیب، نخست مکاتیب سپس تلگرافات را درج می‌نمائیم. نوشتجاتی که از طرف ناصرالدین‌شاه صادر شده‌است، اکثر آن‌ها به‌خط خود ناصرالدین‌شاه نوشته شده‌است.

دستخط اعلیحضرت ناصرالدین‌شاه به حضرت مستطاب حجة الاسلام میرزای آشتیانی

جنابا - بعضی احکام بود خواستم با يك نفر زبانی برای شما پیغام بدهم، دیدم مفصل بود. بهتر دانستم بنویسم و بعد از آن که این دستخط را ملاحظه کردید، جواب عرض نموده و همین دستخط را پس بفرستید به حضور.

در فقرة عمل دخانیات هیچ کس عقل کل نیست و احاطه کلی در بشریت منحصر است به وجود پاك پیغمبرما علیه السلام و الصلوة. انسان گاهی يك خیالی و کاری می‌کند بالاخره از آن پشیمان می‌شود، در همین عمل دخانیات مدتی بود که من می‌خواستم انحصار داخله را از کمپانی فرنگی سلب نمایم و به جناب امین‌السلطان دستور العمل‌ها داده بودم که کم کم با فرنگی‌ها حرف زده، طوری بکنند که هم عمل داخله انجام بگیرد و هم آن‌ها نتوانند ایرادی بگیرند و از دولت خسارات عمده مطالبه کنند و مردم هم آسوده از این مداخله داخلی فرنگیان که الحق مضر بود شوند، مشغول و در تدارک بودیم که این انتشار حکم میرزای شیرازی در اصفهان یا جملا یا حقیقه بروز کرد و کم کم به طهران رسید و شما که علماء عاقل بزرگ هستید بدون اطلاع دادن به دولت به دهن خواص و عوام انداختید که قلیان را ترك ننمایید و این‌همه قال و مقال و اسباب بی‌تظمی را در پایتخت فراهم آورده، آیا بهتر نبود که متفقاً یا تنها عریضه می‌کردید در دفع عمل؟ ما هم که در تدارک بودیم بدون این

های هو و ترك قليان همین طور که به انجام رسید احکام صادر می‌شد. بعد از آن از جاجرود به جناب امین‌السلطان و نایب‌السلطنه حکم شد مجلسی از علماء و وزراء فراهم بیاورند. سؤال شود که خلاف شریعت در این قرارنامه در کجاست بنمائید تا رفع شود. مجلس اول همه حاضر شدند به جز شما که تمارض کرده بودید. جهت و معنی این را نفهمیدم، مجلسی که به حکم ما شما را برای همچو کاری احضار بکنند و حاضر نشوید. مجلس دیگر که حاضر شدید بعض عبارات گفته بودید که هیچ ربطی به عمل نوشته نداشت، مثلاً بانگ و راه آهن و غیره را عنوان کرده بودید، بعد از آن عرایض حساسی شما در باب دخانیات به ما رسید، آن بود که حکم فرمودیم جناب امین‌السلطان به شما قول بدهد که موقوف خواهد شد. در داخله کتباً و تلکرافاً اظهار تشکر و مسرت عامه به عرض رسید مگر از شما، معنی این را هم نفهمیدم که یعنی چه و عمل صحیح به قاعده با احتراز از فساد و فتنه آن بود که بعد از موقوفی عمل دخانیات فوراً شما می‌رفتید در مسجد و منبر به مردم مرحمت و التفات ما را اعلان می‌کردید و هم استعمال دخانیات را فوراً تجویز می‌کردید، چرا که به قول ملاها مانع مفقود و مقتضی موجود بود، آن سببی که تنباکو را حرام کرده بود رفع و تمام شده، چرا این کار را نکردید؟ سبب و جهش را هیچ نفهمیدم و مثل این است که ابداً دولت در موقوفی این کار اقدام نکرده باشد، این‌طور قرار داد نبود بکنید به عوام کالانعام یعنی چه؟ آیا عوام فریبی بنظر شما رسیده یا مسند خود را می‌خواهید به این واسطه رونقی بدهید؟ و باز هم در مجالس و محافل خودتان در عوض تحسین و تمجید برضد دولت و اولیای دولت حرف می‌زنید یعنی چه؟ من شما را آدم فقیر و شخص ملای بی غرض و دولت‌خواه می‌دانستم حالا بر ضد آن می‌بینم که اقتباس به مجتهد تبریز و آقای نجفی اصفهانی و غیره می‌کنید. آیا نمی‌دانید که کسی نمی‌تواند بر ضد دولت برخیزد؟ آیا نمی‌دانید که اگر خدا نکرده دولت نباشد يك نفر از شما ها را همان بای‌های طهران تنها کردن می‌زنند؟ آیا نمی‌دانید که اگر دولت نباشد زن و بچه شماها هر کدام به دست قزاق روسی و عسکر عثمانی و قشون انگلیس و افغان و ترکمان خواهد افتاد؟ حیف از شماست با علم و عقلی که دارید عقل خود را به دست چند نفر طلاب و اراذل و اجامر محله و شهر بدهید و به میل آنها حرکت کنید. خلاصه چون خیلی لازم بود محرمانه این دستخط را به شما نوشتیم، دیگر خود دانید. يك دفعه نصیحت لازم است و عجب خدمتی به ملت و مردم می‌کنید، هر کس هم که تریاک کش نبود حالا چپوق تریاک می‌کشد، قليان

چرس را عجب رواجی دادید ، مرد که بی جهت قلبان را ترك نمی کند لابد است برود یا تریاك بکشد یا چرس ، یا هر نجاستی که گیرش بیاید سر قلبان بگذارد بکشد و دیوانه شود ، ناخوش شود ، بمیرد . حقیقه خیلی اسباب استسقاء شده والسلام .

جواب دستخط از طرف حضرت حجة الاسلام میرزای آشتیانی

به شرف عرض اقدس اعلیحضرت شاهنشاه اسلامیان پناه می رساند ، دعا گو سابقاً عازم بود که عریضه به حضور مبارك عرض نماید که هم حاکی از تشکر مراحم ملوکانه نسبت به عموم رعایا و دعاگویان خاصه بر سلسله جلیله علماء که رؤسای دین و ملت و حمله شریعت و به واسطه همین مزیت ، شایسته مزید مکرمت و مرحمت باشد و هم اشعار بر برخی عرایض صادقانه و دولت خواهی بی غرضانه که انکشاف صدقش از ملاحظه سطور و فقراتش به عین مرحمت و مکرمت ظاهر و پیدا و گمان راستی و استقامت و خلوص از ابتناء وی به مصالح عامه ملت و دولت و قوام مملکت و دوام سلطنت روشن و هویداست داشته باشد ، لکن به احتمال آن که اطالاهش شاید موجب ملالت خاطر عاظر بندگان اعلیحضرت گردد یا خدا نخواستہ محمول به غرض و بدین واسطه نقض غرض گردد ، تکامل نموده و تساهل ورزیده ترکش را اولی و انطباق دانستم . تا دیشب گذشته که به زیارت دستخط مبارکی که فقراتش مبنی بر کمال بی مرحمتی و سلب مراحم ملوکانه و عواطف خسروانه و منتجع عکس امنیه و آمال و خلاف خدمات و دولت خواهی ها بود مشرف شده ، لازم بل متحتم دانسته که در صدد رفع بعضی از شبهات که شاید ناشی از عرایض بعضی از مفرضین هدیهم الله الی صراط المستقیم باشد برآیم که خاطر عاظر بندگان اعلیحضرت همایونی را آسوده و فارغ و بی مرحمتی مبدل به کمال مرحمت و انشاء الله مشمول مراحم کامله ملوکانه و مکارم شامله خسروانه شوم ، لذا به شرف عرض بندگان اعلیحضرت همایونی می رساند که حالت خلوص و دعاگوئی کلیه دعاگویان خاصه دعاگو نسبت به سلطان اسلام ، مدالله اظلاله علی رؤس الخواص والعموم ، به مرتبه ای است که گوش از بیان و تجدیدش کر و اصم ، و لسان از توصیفش الکن و ابکم است ؛ و بنا بر این بطلب ، گذشته از آن که از مستقلات عقلیه بل از فطریات اولیه است نفوس مطلوب حضرت احدیت عز اسمہ و منظور حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و سلم است . چه سلطان اسلام حامی دین مبین و حافظ شریعت سید المرسلین و استقرار دولت و دوام سلطنتش موجب بقای امن و امان که اعظم نعمای الهیه است می باشد و بالضرورة نفس مبارکش مورد مراحم الهیه و مشمول حفظ و تأیید مکارم غیبیه خواهد بود ؛

و با این مطلب چگونه می‌شود که تساهل در امتثال امر احضار شود و بدون عذر عقلی تمارض نموده و معتذر شده متقاعد از شرفیابی گردد، با آن که خود استدعای مجلس اجتماع را نموده و سبب حضور سایر علماء شده و معلوم است که مقتضای اتحاد دولت و ملت و خلوص مفرط به دعا گوئی و دولت خواهی صمیمی، که شهدا و کفی به شهیدان، مشوب به هیچ گونه از اغراض فاسده عاقله و خیالات کاسده باطله نیست، آن است که اگر مطلبی را ببیند که خالی از صلاح دولت و ملت بل موجب فساد انتظام امور مملکت و سلطنت است به احسن الوجوه دفع و به داعی حفظ نفس نفیس سلطنت که اعز نفوس است مهما ممکن متقاعد از رفتن نشوند؛ و از این قبیل است عرایض صادقانه جناب مستطاب حجة الاسلام آقای میرزای شیرازی سلمه الله تم، در خصوص امتیاز دخانیات و مداخله خارجه در داخله مملکت ایران؛ دعاگو و سایر دعاگویان که کراراً تلگرافاً به عرض حضور مبارک رسانیده و مفساد این امر را مشروحاً نصب العین اولیای دولت قوی شوکت نموده که موجب اخلال نظام امر مملکت و رفته رفته سبب عدم استقلال سلطنت و علی الانصاف، هادم اساس دین مبین و مافی غرض از صدمات و ابتلائات حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و بعثت انبیاء و مرسلین است و چون مدت متمادی از زمان عرض عریضه گذشت و به زیارت جوابی که حاکی از رفع کلیه این بلیه کبری و مفسده عظمی که ناشی از سوء تدبیر اولیای دولت قوی شوکت است باشد مشرف نگردیدند، چنین گمان کردند که شاید اولیای دولت مساهله در عرض و ایصال عرایض کرده و مفساد این امر را اغفال نموده باشند، و یا به واسطه تنجز امتیاز و استیلائی کمپانی ممتاز سلب قدرت از رفتن شده متمکن از اصلاحش نباشند؛ تأملات و افکار نموده بل انتصار از اولیای دین مبین نموده و به وجهی که نه موجب کشف خلاف کلمه دولت و نه سبب شق عصای کلمه رعیت باشد، طریقی را انتخاب و انتخاب فرموده، و مردم را از استعمال تنباکو و توتون منع نموده، که بدون ترتب مفسده بالاضطرار موجب انصراف شود قهراً رفع می نماید و سایر علماء هم یا انشاءً به واسطه رفع این مفسده مؤبقه و یا اقتداء این طریق را احسن الوجوه و اقرب الطرق دانسته، موافقت و متابعت نمودند و چون رفع این مفسده به جز رفع کلی امتیاز از خارجه و داخله متصور و تبیض مؤثر نبود و اظهار این مطلب از دعاگو در مجلس احضار شاید محمول بر بعضی اغراض فاسده باشد و مورد افکار می‌شد، لذا دعاگو هم به واسطه عدم مخالفت با علماء و قبح شق عصا و مصلحت بینی ایشان صلاح چنین دیده که به جناب آقای معظم سلمه الله تم تلگراف و مطلب را علی ما هو الواقع

اعلان دارند و قبل از ملاحظهٔ جواب چون رافعی از برای حکم سابق نبود و مانع بالکلیه رفع نشده همان حکم را معمول داشته اجرا نمایند، به واسطهٔ آن که تحریم استعمال دخانیات از ایشان بوده و لابد حکم تحلیلش هم باید مستند به ایشان باشد، اولیاء دولت مطلب را علی‌ما هوالحق تلگراف نکرده و آقای معظم را از کیفیت و حقیقت مطلب اعلام ننمودند بل مجمل و سر بسته به تمام اطراف بلاد ممالک محروسه، اعلان و تلگراف نمودند که حسب الامر امتیاز برداشته شد و علماء سایر بلدان هم به اعتقاد آن که رفع بلیه بالکلیه شد عرایض متشکرانه عرض نمودند.

بالمال که عملاً قریب معلوم شود و کشف خلاف گردد بالکلیه از مراجع ملوکانه مایوس و دیگر اعتمادی از برای ایشان بل عموم رعیت نسبت به اولیای دولت نخواهد ماند. و در مسئلهٔ بانک و راه آهن و غیره که عرض کرده‌اند دعا گو طرف بوده و دستخط فرموده‌اند، مطالبی بی ربط بوده خلاف عرض شده، به واسطهٔ آن که در مسئلهٔ بانک به هیچ وجه گفتگوئی نشد و از راه آهن به همین قدر عنوان شد که مفاسد این امتیازات هم بسیار است، و منجمله آن است که فرنگیان بعد از آن که قضای حاجتشان شود به قانون و زا کون خود هم عمل نخواهند کرد، بل به میل خود سلوک خواهند نمود مثل آن که ملک رعیت را خراب می‌کنند و عوض نداده، از طریق عبور می‌نمایند و اما سایر مسائل مثل دعوت کشیش نصاری مسلمین را به دین عیسوی و ترغیب نمودن به کتاب و قول و تألیف لسانی، به این مناسبت گفتگو شد که وزراء اظهار نمودند که هم سلطنت همواره بر ترویج و تشدید ملت بوده دعا گو تصدیق نموده لکن اظهار داشتیم که اولیای دولت تقصیر دارند که این گونه از مفاسد را که موجب هدم اساس دین است به حضور مبارک عرضه نمی‌دارند و بالجمله داعی گمان این بود که در ازای این دولت خواهی‌ها و زحمات قاطبهٔ علماء، مورد مراجع و بیشتر از پیشتر مشمول مکارم و عوطف ملوکانه شوند، حال که معلوم می‌شود به قول شاعر عرب

ماکل ما یتمنی المرء یدرکه تجری الریاح بما لا تشتهی السفن

نتیجه برعکس داده، و برخلاف معمول ثمر بخشیده، و خاطر عاطر مبارک از دعا گو رنجیده تر شده، بل حسن خدمت و نیکوئی تدبیر علماء بلدان هم از قبیل مجتهد تبریزی (۱) و آقای نجفی اصفهانی سلمه‌الله تع که همیشه خیر خواه دولت بوده‌اند، به سوء تدبیر به نظر انور رسیده که دعا گو را هم قیاس به آن‌ها نموده و دستخط فرموده‌اند که تبعیت اجامه و او باتر می‌کنی و این مطلب یا معمول

(۱) مراد مرحوم حاج میرزا جواد آقا مجتهد تبریزی است.

به عوام فریبی، و یا به واسطه رونق دادن مسند است و بسیار عجب دارم از این بی‌رحمتی شدیدة ملوکانه، که تصور خیال فساد در حق دعا گو شود و به تبعیت عوام و جهال و حب مسند منتصب گردد. با آن که فقره اولی کاشف از بی‌عقلی و نابخردی و سنخیت یا جهال و اوباش و العیاذ بالله تعمله است چه تبعیت عاقل از جاهل نامعقول و پیرویش در نظر عقلاء مردود و غیر معقول است و فقره ثانیه حاکی از ضعف و بطلان مستند است به ملاحظه امثالش به دعا گو زیرا که مسند شرع مبین را رونق از خاتم النبیین و مروّجش بحمد الله تعالی نفس نفیس بندگان اعلی حضرت است گذشته از آن که دعا گو در این بلد مسندی نمی‌بینم و جز دعا گوئی و تدریس غرض و اشتغالی ندارم و بعضی از بی‌رحمتی‌های دیگر که خود را در دعا گوئی شایسته و مستحق آن نمی‌دانم که مذاکره کنم و فی الحقیقه خیلی مأیوس از مراحم ملوکانه شدم که تقریباً بعد از پنجاه سال زحمت و خدمت در ملت و دعا گوئی دوام دولت و سلطنت با خلوص عقیدت در نظر انور همایونی مقدار يك قاضی سنی و کشیش ارمنی را در نظر سلطان روم و سلاطین عیسوی نداشته‌باشم با آن که شاید مشهور جمله از اهل علم باشد که اگر تمدن و توقف و توطن در عراق عرب کرده بود در حوزه علمی اسلام منحصر و معروف به شخص اول بودم انصاف آن است که در این مملکت خیلی ترقی کردم و بعد از زحمات بسیار و دعا گوئی خالصانه بی‌شمار مفسد به خرج رفته و به کيفر آن مورد بی‌رحمتی و الناف ملوکانه شدم گمان ندارم که در هیچ دولتی جزای چون من دعا گوئی دولت خواهی را که سر تا پا وجودش دعا گوئی دولت و همواره بر صلاح امر مملکت و تشبیه ملت است بدین گونه دهند. باری، هر چه آن خسرو کند شیرین بود. اگر فی الحقیقه بعد از ملاحظه صدق عرایض و حسن مقال باز هم شایبه خلاف واقعی العیاذ بالله در عرایض رود و خاطر مبارک از غبار کدورت و گرد کدورت سافی و پاک نشود و معذالك دعا گو را مفسد در انتظام امور مملکتی بدانند با امتنان و تشکر از مراحم ملوکانه استدعای مرخصی دارم که معجلاً به اندازه خود در تدارک هجرت از این مملکت برآیم و به یکی از زوایای مقدسه عنبات عالیات مشرف شده این دو روزه عمر را که فی الحقیقه کالعدم است به دعا گوئی مشغول بروجود مفسدم در این مملکت مفسده مترتب نشود به واسطه آن که دعا گو نه در این مملکت ضیاع و عقاری دارد و نه بحمد الله تعالی به علایق دنیویه علاقه بشمارم. اما امیدوارم که انشاء الله صدق عرایض گفتارم بر بندگان اعلی حضرت همایونی پوشیده و مستور نماند و ملاحظه صلاح امر مملکت و سلطنت و بقاء ملت و تشکر و دعا گوئی کلیه رعیت را فرموده، این بلیه عنایمه را به همت علیای ملوکانه

بالکلیه رفع فرموده ، در ترویج شریعت و علماء که اخص دعا گویانند بذل جهد و جهد خسروانه نمایند تا یأس رعایا و دعا گویان از مراحم ملوکانه مبدل به امیدواری رجاء و به دعا گوئی ذات خجسته صفات مبارک اعلیحضرت شاهنشاه جمجاه اسلامیان ناه مشغول شوند الامر الاقدس الاعلی مطاع .

دستخط اعلیحضرت ناصرالدین شاه در جواب ، مکتوب جوابیه

مرحوم میرزای آشتیانی

جنابا۔ عریضه شما را ملاحظه کردم اولاً این دستخط محرمانه بود و احدی نمی دانست اگر بد نوشتم یا خوب ثالثی نمی داند و نخواهد دانست . ثانیاً از کثرت اوقات تلخی و این که بعد از این همه زحمت و مرارت کار را به این پایه با کمپانی خارجه تمام کرده و به این خوبی انجام داده ایم چرا باید مثل شما علمای بزرگ به مردم نادان عوام این طور اهتمامات و مراحم ما را حالی نکنند ، که مردم آسوده شده پی کار خود بروند . مگر شوخی بود که بعد از دادن همچو قرارنامه به فرنگی و آن همه مخارجی که او کرده است به این سهولت از عمل خود دست بردارد و برود پی کارش . در فقره تجارت خارجه هم ابداً ضرری به رعیت و تجار ما ندارد و نخواهد داشت و این حرف مفصل است باید يك نفر از اولیای دولت به شما حالی نماید و اینها موافق عهدنامه های قدیم حق تجارت دارند کار تازه ای نیست. در حقیقت تمام آن قراری که با کمپانی دخانیات در داخله ایران داده بودیم تماماً باطل و نسخ شد این کار را بیش از این نباید دنبال کرد و البته شما در روی منبر و مجلس درس باید به تمام مردم حالی بکنید که این کار تمام شده و گذشته است ، بر شما فرض است که هر چه زودتر به همه حالی بکنید قلیان نمی کشند نکشند اما بدانند که دیگر برای احدی مجبوریت باقی نمانده است و همه آزاد هستند در بیع و شری و اختیار مال خودشان را دارند و کمال امیدواری و تشکر را از دولت داشته باشند که رفع همچو کار بزرگ را کرده است ، حالی کردن این فقره به مردم عوام با شماست که شاکر و دعا گو باشند شما می دانید که من همیشه احترام علماء را لازم می دانم به خصوص در حق شما يك مرحمت قلبی داشته و دارم البته کمال اطمینان را از التفات باطنی ما داشته باشید و ابداً حالت یأس از آن نداشته باشید . زیاده زحمتی نیست جواب را عرض بکنید .

جواب دستخط مزبور

از طرف حجة الاسلام آشتیانی اعلی الله مقامه

به شرف عرض اقدس بندگان اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه جمجاه اسلامیان

پناه ابدالله دولته می‌رساند ، که دعاگو مایوس از مراحم ملوکانه نشده و نیستم و چون دستخط مبارک سابقه ، مشعر بر بعضی بی‌رحمتی‌ها بود که کمال تنافی با فرط دعاگوئی و خلوص دعاگو داشت به داعی طمع از زیاد مرحمت و اشتداد مرحمت و مودت و مکرمت به عریضه سابقه جسارت ورزیدم و اما در خصوص امر به تشکر عموم علماء و دعاگو رعایا از مراحم ملوکانه و مذاکره دعاگو در مجلس درس و غیره که دستخط مبارک صدور یافته گذشته از آن که در مجلس احضار بلیه مرفوعه و مفسده ممنوعه را اول المتشکرین بودم ، در امثال امر حاضر و تشکر مراحم ملوکانه را در مجلس درس و غیره نموده ، کثرت مرحمت و شدت زحمت و مشقت بندگان اعلیحضرت همایونی را در خصوص اصلاح فی‌الجملة عمل دخانیات و تقاعد کمپانی و امثال امر همایونی نصب‌العین خاص و عام خواهد شد ، که انشاءالله کمافی السابق بلکه بیشتر از پیشتر رجاء به مراحم ملوکانه حاصل شده به احسن الوجوه عموم رعیت اشتغال به دعاگوئی و مسئلت دوام دولت داشته باشند لکن مسئله قلیان را همان طور که اعلیحضرت قدر قدرت همایونی دستخط فرموده‌اند نباید متعرض شد که بر امر شرب و استعمالش جز ترتب مفسده ثمره‌ای مترتب نخواهد شد و تا مشاهده حکم تجویز و تحلیل از آقای حجة الاسلام شیرازی سلمه‌الله تعالی نکنند مرتدع نخواهند گردید دعاگو هم محض امثال امر قدر قدرت اگر رأی مبارک تعلق گیرد رقعهای به جناب آقای معظم عرض نماید که مشتمل بر تشکر از مراحم ملوکانه باشد و محتوی بر عدم اصلاح بالکلیه لکن محرمانه - الامر الاقدس الاعلی مطاع .

صورت مکتوب

میرزای آشتیانی مرحوم به اعلیحضرت ناصرالدین شاه

به شرف عرض اعلی می‌رساند - که انزجار و وحشت قلوب رعیت از این مسئله و تصرف خارجه در داخله به مرتبه‌ای است که گمان ندارم به غیر عدم تصرف کلی و رفع اصلی و هود به صورت اولی آسوده خاطر و امیدوار شوند بلکه شاید تکذیب دعاگو را نمایند . خاصه با وضع حالیه کمپانی و اشتغال تام به لوازم امتیاز به جز سخت‌گیری در امر توتون و تنباکو که سابقاً می‌نمود و به جبر و عنف از تجار مأخوذ می‌داشته از قبیل صنعت و اعمال گروانکه و غیره که از لوازم تصرف در داخله است و عدم علم به استرداد و ملاحظه قرارنامه نسبت به عامه رعیت و اختصاصش به بعضی از اولیای دولت شایسته آن است که به ملاحظه جذب قلوب رعیت و امیدواری به مراحم ملوکانه مقرر فرمایند که عجاله کمپانی از تصرفات متعلقه به داخله که سبب استیحاخ رعیت و اهل ملت

است ممنوع و قرارنامه‌ای که استرداد شده مشهود نظر خاص و عام گردد .  
الامر الاقدس الاعلی مطاع .

استفتاء از حضرت آیه الله

میرزای شیرازی اعلی الله مقامه که در باب قلیان شده است

حجة الاسلاما متع الله المسلمین بطول بقائکم : صورت سؤال و جوابی به  
تفصیل ذیل منسوب به جناب عالی شیوع یافته مستدعی آن که اگر صحیح است به  
خط مبارک تصریحاً مرقوم فرمائید و بر تقدیر صحت هر گاه این عمل امتیاز بر  
داشته شد این حکم باقی است یا خیر

صورت سؤال از حجة الاسلام ادام الله ظلمکم العالی : با این وضعی که در بلاد  
اسلام از بابت عمل تنباکو پیش آمده ، فعلا کشیدن قلیان شرعاً چه صورت دارد  
تکلیف مسلمانان چیست ؟ مستدعی آن که تکلیف مسلمانان را مشخص فرمائید .  
جواب : بسم الله الرحمن الرحیم الیوم استعمال تنباکو و توتون بای نحو  
کان در حکم محاربه با امام زمان عجل الله فرجه است .

جواب از سؤال اول : بسم الله الرحمن الرحیم - بلی صحیح است و سؤالی  
که از بقاء حکم بر تقدیر رفع امتیاز شده جواب این است که بر تقدیر رفع  
از این جهت منعی ندارد و الله العالم حرره الاحقر محمدحسن الحسینی .

دستخط ناصرالدین شاه

جناب امین السلطان : امتیاز دخانیات داخله که چند روز قبل موقوف شده  
بود این روزها که امتیاز خارجه را هم موقوف فرمودیم و کلیه این عمل به طرز  
سابق شد حالا به تمام علماء و حکام و مردم اطلاع بدهید که مطمئن باشند و  
به تمام رعایا حالی نمایند . ( ۱۳۰۹ )

ایضاً صورت دستخط ناصرالدین شاه

شرح سرپاکت - جناب امین السلطان و نایب السلطنه ملاحظه کرده فوراً  
مجری دارید . لازم است نایب السلطنه و جناب امین السلطان و سایر وزراء  
محترم دولت این یادداشت ما را ملاحظه کرده برای تجار معتبر و غیره و  
تجار معتبر تنباکو فروش قرائت فرمائید .

حکمی که پادشاه و دولت می کند او را خود دولت لازم الاجراء می داند  
و هر حکمی که می کند چه در داخله و چه در خارجه از روی خدعه و اشتباه  
نخواهد بود يك وقتی مقتضی شد عمل دخانیات را به کمپانی انگلیس بدهند و  
دادند . چندی بعد مقتضی شد که آن امتیاز را از کمپانی بگیرند و گرفتند .  
اعلان دولتی هم نوشته و به همه جا انتشار داده شد که این عمل از کمپانی گرفته

شده است علاوه بر این خود کمپانی انگلیس هم اعلان نوشت که دولت ایران این امتیاز را از من پس گرفت و کف ید از من شد. هر کس در طهران یا ولایات دیگر تنباکوئی به من فروخته است بیاید پول خود را بدهد و تنباکو را پس بگیرد و بهمه معاير چسبانیده و همه مردم را مطلع و مستحضر کرد که این امتیاز از من خلع شده است با وجود این همه توضیحات و اسناد و احکامی که صادر شد در نسخ و ابطال این قراردادهاى دخانیات با کمپانی کمال تعجب را دارم از این که باز می شنویم در میان مردم و تجار و غیر ذلك اشتباهی در این فقره حاصل است که رفع دخانیات نشده و اگر شده باشد موقتی است. اولاً معلوم است که این انتشارات را اشخاص مفسد ردل که بدخواه دولت و ملت هستند می دهند و این اراجیف را شهرت داده اند البته هیچ شخص عاقل دولت خواهی نباید به این حرفهای بی معنی و اقوال مجعول اعتنائی بکند، بلکه بر همه اعالی و ادانی و بر همه نوکرها و رعیت های دولت خواه صادق صمیمی لازم و واجب است که بعد از این از هر شخص مفسد مغرض که این حرفها را بشتوند یا اعلانی بنویسند و نصب نمایند و او را ببینند گرفته به حکومت تسلیم نمایند که آنها را تنبیه شایسته نمایند. چرا که این نوع شهرت های بی معنی مفسده انگیز باعث ناامنی تجار و کسبه و رعایا بر تمام اهالی مملکت و اهل طرق و شوارع شده و کسب و تجارت از میان خواهد افتاد و آن وقت دولت لابد می شود که برای نظم امور جمهور تشددات فوق العاده به ظهور برساند و خود شخص رئیس دخانیات البته نمی تواند بعد از موقوفی مجدداً دخیل امور دخانیه بشود. بقای این شخص رئیس دخانیات عجاله در طهران برای این است که محاسباتی که با مردم دارد مفروق و ادعای مخارجی که در این امور کرده و با دولت دارد قرارش را داده و کار خود را تمام کرده راهش را بگیرد از این دولت برود و این هم البته يك دو ماهی طول دارد که کارش تمام شده آن وقت برود از آن طرف رئیس تنباکو در تمام شهرها و بلاد ایران مأمور و عملجاتی که برای انجام این کار داشت چه از فرنگی و چه از ایرانی تماماً را متفرق و احضار و جواب داد. چنانچه يك نفر در دولت و بلاد ایران از این اشخاص نیست و اگر در جایی باشد و کسی مطلع است به عرض برساند تا دولت او را خارج نماید و باز هم تکرار می کنیم که این کار بالمره خارجاً و داخل موقوف و موقوف شده دائمی است و ابدأ موقتی نیست و این امتیاز را بعد از این دولت به احدی از تجار خارجه و داخله نخواهد داد تمام آسوده و مطمئن باشند (سحه همایونی و دستخط).

تمام این یاد داشت به حکم و فرمایش ما است که در این ورقه نوشته اند

و سوادى از اين فرمايشات را ملك التجار برداشته به همه جا منتشر نمايد (توشقان  
نيل ۱۳۰۹)

تعجب در اين است كه بعد از اعلان چرا آن هاى كه به كمپانى تنباكو فروخته  
نمى روند پول داده تنباكوى خود را پس بگيرند .

صورت اعلاني كه

از جانب رئيس دخانيات در باب فسخ امتياز شده است

اعلان - چون دولت اعليحضرت اقدس شاهنشاهى خداى ملكه و سلطان ه  
منوپول و انحصار دخانيات را كليته از داخله و خارجه موقوف فرمودند و بهمن  
رسماً نوشتند. لهذا به عموم تجارى كه به اداره (رژى) تنباكو و توتون فروخته اند  
اعلان مى نمايم هر كس بخواهد تنباكو و توتون خود را پس بگيرد به اداره دخانيات  
رفته و قيمتى را كه براى آن دريافت نموده رد كند و حسنى خود را تحويل بگيرد  
(ارنستين)

مكتوب امين السلطان

به حضرت حجة الاسلام مرحوم ميرزاى آهستيانى

عرض مى شود جناب حاج ملك التجار فرمايشات جناب مستطاب عالى را كاملاً  
رساندند. مايه كمال امتنان شد و يقين دارم، كه عرايض اخلاص كيش را هم تماماً  
و صحيحاً رسانده است و خاطر عالى را مستحضر داشته است لازم دانستم كه اين  
مختصر را هم تحريراً مصدع خاطر عالى شوم كه خاطر جناب مستطاب عالى از  
اين طرف خاصه بندگان اعليحضرت اقدس همايون شاهنشاه روحى فداء و از  
ارادت و اخلاص اين بنده از حالا تا هروقت بلكه بعون الله تعالى مادام العمر ،  
مطمئن باشيد كه به هيچ وجه خللى و نقصى در آن حاصل نخواهد شد مشروط  
بر اين كه جناب مستطاب عالى هم به شبهات مفسدين و ارباب غرض اعتناء فرمائيد  
و هروقت هر چه عرض شود از اين بنده استفسار فرمائيد تا حقيقت معلوم شود  
زياده عرضى ندارم ، ايام افادت مستدام .

جواب مكتوب مزبور

عرض مى شود : جناب ملك التجار همان قسمى كه فرمايشات جناب عالى را  
كاملاً ابلاغ نموده ، قاطع هستم كه عرايض داعى را هم تماماً و كاملاً به عرض رسانيده  
است . اگر چه به همان بيانات ايشان كمال استظهار و اطمينان حاصل گشته بود .  
ثانياً هم كه رقعۀ شريفۀ جناب عالى را رساندند ، بر مراتب استظهار و اطمينان داعى  
افزود و محض رعايت ادب لازم ديدم كه كتابۀ در مقام تصديق برآمده و اين  
فقره را تصريح نمايد كه به صاحب شريعت مقدسه قسم است ، اين داعى دوام دولت

ابد مدت قاهره هیچ وقت از دعای بقای ذات اقدس ملوکانه غفلت ننموده و نخواهد نمود. بلکه دعای آن وجود مبارک را بر خود و بر قاطبه اهل اسلام خاصه سلسله سلسله جلیله علماء واجب می‌داند از شخص محترم جناب عالی هم از هرجهت همه وقت کمال امتنان را داشته و دارم و مخصوصاً جنابعالی را از غالب وزرای سابق و لاحق نیک‌نفس‌تر و خوش اعتقادتر می‌دانم و یقین دارم که به هیچ وجه من‌الوجه از هیچ بابت از خیر دولت و ملت چشم نخواهید پوشید. حتی به جناب ملک‌التجار گفتم از روی انصاف وقتی که انسان ملاحظه نماید برای این منصب جلیل حال هیچ شخص عاقلی از جناب عالی تعدی نخواهد نمود و همان‌طوری که جناب عالی امر فرموده‌اید که اعتنا به شبهات ارباب غرض نشود داعی هم خواهش و استدعا می‌کند که جناب عالی هر وقت چیزی بشنوید به‌توسط خود جناب ملک‌التجار که معتمد جنابعالی است و داعی هم وثوق و اعتماد دارد پیغام فرمائید تا فوراً رفع شبهه شود ائمه جماعت هم که در این دو روزه به مسجد نرفته بودند فوراً به همه اطلاع داد که منبر رفته وجود مسعود اعلیحضرت همایونی ایدالله جیشه و ابد عیشه را دعا کنند با بیانات کافی جناب ملک‌التجار زیاده بر این تصدیع و جسارت است. ایام افادت مستدام.

صورت مکتوب امین‌السلطان

به حضرت مستطاب میرزای آشتیانی اعلی‌الله‌مقامه

عرض می‌شود امیدوارم انشاءالله تعالی وجود مسعود عالی معقرون به سلامت است رقیمه مطاعه عالی با عریضه تلگرافی جناب مستطاب حجة الاسلام میرزامدظله العالی رسید. فوراً از عرض لحاظ اقدس همایون گذرانده از این نوع اظهار دعا گوئی جناب معظم‌الیه خاطر مهر مظاهر خیلی خرسند و خوشنود شدند و هم از اقدامات جناب عالی خاطر همایون راضی شدند. بدیهی است مراتب را چنانچه باید و شاید خاطر نشان ایشان فرموده‌اند و رفع اشکالات شده است جواب تلگراف جناب آقای میرزا را هم صادر و مرحمت فرموده‌اند لفاً ارسال داشت که به‌ملاحظه شریف جناب مستطاب عالی هم برسد و بعد به تلگرافخانه ارسال فرمایند که تلگراف شود و چون از تلگراف خود جناب عالی هم اظهار لطف درباره ارادت کیش فرموده‌اند خواهش دارم امتنان و تشکر بنده را به نحوی که شاید و باید خدمتشان مرقوم فرمائید ایام افادت و افاضت مستدام.

اول تلگرافی که مرحوم آیه‌الله حجة الاسلام حاج میرزا محمد حسن شیرازی اعلی‌الله‌مقامه

به اعلیحضرت ناصرالدین‌شاه مخا بره نموده

بسم‌الله الرحمن الرحیم - به توسط حضرت اسعدامجدارفع‌والاشاهزاده اعظم

نایب السلطنه دام اقباله العالی ، به شرف عرض حضور اعلیحضرت اقدس شاهنشاه خلدالله ملکه می‌رساند. اگرچه دعا گو تاکنون به محض دعا گوئی اکتفا نموده ، تصدی استدعائی از حضور انور نکرده ، ولی نظر به تواصل اخبار به وقوع دقایقی چند که توانی از عرض مفاسد آنها خلاف رعایت حقوق دین و دولت است عرضه می‌دارد: که اجازه مداخله اتباع خارجه در امور داخله مملکت و مخالطه و تودد آنها با مسلمین و اجرای عمل بانگ و تنباکو و راه آهن و غیره از جهاتی چند منافی صریح قرآن مجید و نوامیس الهیه و موهن استقلال دولت و مخل نظام مملکت و موجب پریشانی عموم رعیت است . واقعه شیراز از قتل و جرح جماعتی از مسلمانان در حمای مطهر حضرت احمد بن موسی علیهما السلام و هتک آن بقعه مبارکه و تبعید جناب شریعت‌مآب حاج سیدعلی اکبر (۱) سلمه‌الله به وضع ناشایسته نمونه‌ای از نتایج این امور است البته مفاسد این امور از عرض حضور اقدس نگذشته والا از فرط اهتمام خاطر همایون در ترقیات ملت و دولت رضا به اجرای این امور مترقب و مأمول نبوده دعا گو هیچ در مقام دولت خواهی هم رضا نمی‌دهد که بعد از استمرار نعمت خداوند جلت‌عظمه به اعلیحضرت شهریاری عز نصره و به قوت شوکت و دوام سلطنت این امور که مفاسد آنها در اعصار لاحقه دامنگیر دین و دولت و رعیت است در این عهد همایون جاری شده نام نیک چند سائله دولت خدای نخواست به خلاف مذکور شود. رجاء واثق از مراجع ملوکانه آن که اگر اولیای دولت در این امور ترخصی فرموده‌اند به اتفاق کلمه ملت معتذر شده این مفاسد را به احسن وجه تدارک و جناب معظم را که تاکنون پناهنده ناحیه مقدسه است به تلافی این وهن مورد عواطف خسروانه فرمایند تا سبب مزید دعا گوئی و امیدواری کافه علماء و رعایا گردد ، الامر الاقدس الاعلی مطاع .

تلگراف ثانی حضرت آیه‌الله

میرزای شیرازی به حضور اعلیحضرت ناصرالدین شاه

به شرف عرض حضور اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی خلدالله ملکه می‌رساند . سابقاً دعا گو عریضه‌ای تلگرافاً در باب مفاسد مداخله خارجه در داخله مملکت ایران به حضور مبارک عرض نموده بود جوابی از جانب اولیاء دولت قوی شوکت نقل نمودند ، که کاشف بود از آن که به مفاسد اجرای این امور حق الثقات نفرمودند و چون اغماض از آن منافی رعایت حقوق اسلام بود ، لهذا ثانیاً به عرض حضور مبارک می‌رساند: که مفاسد انفاذ این امور به مراتب اعظم از مفاسد

(۱) مراد آقا سیدعلی اکبر فال اسیری است که او را از فارس نفی و به عتبات تبعید

صرف نظر از آنها است . کیدام مفسده با اختلال قوانین ملت و عدم استقلال سلطنت و تفرق کلیه رعیت و یأس آنها از مراحم ملوکانه برابری می کند؟ چگونه می شود که با وجود این که در قرون متداوله اولیای دین مبین و سلاطین مسلمین شکرالله مساعیهم آن همه اتلاف نفوس و بذل اموال خطریره در اعلاهی کلمه اسلام بفرمایند امروزه به اندک فایده با تزقب ترتب مفسده از تمام اغماض نموده و کفره را بر وجوه معایش و تجارات آنها مسلط کرد . تا بالاخره اضطرار با آنها مخالطه و مواده کنند و به خوف یا رغبت ذلت نوکری آنها را اختیار نمایند و کم کم بیشتر منکرات شایع و متظاهر شود و رفته رفته عقایدشان فاسد و شریعت اسلام مختل النظام گشته و خلیق ایران به کفر قدیم خود برگردند . البته شدت و اضطرار و وحشت رعیت و استنکاف علماء اعلام را در انفاذ این امور به عرض حضور مبارک فرسایندند و بر دولت اغفال نمودند زیرا که این امور قابل انفاذ نیست و نخواهد شد هر چند منجر به اتلاف نفوس شود و الا از حزم خسروانه مأمول نبود ، رضا دهند رعیت که فی الحقیقه خزانه عامره دولتند بالمره از وجوه تجارت و مکاسب خود مصلوب الاختیار و مقهور کفار باشند . بدیهی است اولیای دولت قوی شوکت را از اجرای این امور جز ترقی دولت مقصدی در نظر نیست . بهتر آن بود که این رنج را در تربیت اتباع دولت قوی شوکت متحمل شوند که هم سبب جمعیت قلوب رعیت و امیدواری آنها گردد و هم منافعی با قوانین ملت و استقلال دولت نباشد مأمول از عنایات ملوکانه چنان است که عرایض صادقانه دعاگو را با تأمل ملحوظ نظر انور و در جمع قلوب رعیت بذل مرحمت فرمائید تا به کمال امیدواری و شکر گذاری مشغول دعا گوئی دوام دولت جاوید مدت باشند - الامر الاقدس الاعلی مطاع - تاریخ وصول این تلگراف چهارم شهر رجب (۱۳۰۹)

تلگراف آقایان علماء طهران

حضور حضرت آیه الله میرزای شیرازی اعلی الله مقامه

خدمت سراسر سعادت بندگان جناب مستطاب حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج میرزا محمدحسن دام ظلله العالی - امتیاز و اختصاصی که در مسئله دخانیات از جانب اولیای دولت ایران به فرنگیها داده شده بود به حکم اعلی حضرت اقدس شاعشاهی خلدالله ملکه از کل ممالک محروسه ایران برداشته شد و کل اهالی ایران از زارع و کسبه و تجار و مالکین تنباکو و تنباکو فروشها و غیره از امروز به بعد آسوده و مختارند که تنباکو و توتون و عموم اجناس عایده دخانیه خودشان را به هر کس و به هر قیمت و هر نحو که دلخواه